

توثیق مشایخ شیخ صدوق بر اساس عبارات دعایی وی با رویکرد آماری

سید احمد قائم فرد^۱

مهدی غلامعلی^۲

محمد عرفان مکارمی اسفرجانی^۳

چکیده

عالمان رجالی، درباره میزان دلالت عبارات دعایی موجود در کتب شیخ صدوق، اظهار نظرهای متفاوتی دارند؛ برخی آن را به تنهایی، دال بر وثاقت می‌دانند و برخی دیگر، دلالت خاصی برای این دست از عبارات قائل نیستند. میان این دو گروه، سه دسته دیگر قائل به تفصیل شده‌اند: دلالت کثرت ترصّی بر حُسن حال؛ دلالت ترصّی (بدون عنایت به مؤلفه کثرت) بر حُسن حال؛ دلالت کثرت ترصّی به انضمام قرآن دیگر بر وثاقت. گرچه نظریات رجالیان در این باره، دربردارنده نکات مهمی است، اما ارائه سازوکاری مبتنی بر اثبات اصل صدور این عبارات از سوی شخص مرحوم صدوق را می‌توان وجه تمایز پژوهش حاضر با دیدگاه‌های پیش از این دانست. نگرش مختار که با روش آماری - تحلیلی و عنایت به دو سنجۀ «کثرت» و «درصد» به عنوان مؤلفه‌هایی در جهت اعتماد به صدور عبارات دعایی موجود از سوی صدوق همراه است، نشان می‌دهد نظریۀ «دلالت کثرت ترصّی بر وثاقت» نسبت به دیگر نظریات، از واقع‌نمایی بیشتری برخوردار است. از این منظر، با بررسی داده‌های آماری کتب صدوق، گذشته از پنج راوی دارای توثیق خاص، مشخصاً ۲۳ راوی به واسطه این توثیق عام، موثق دانسته شده‌اند. در طرف مقابل، «کثرت» و «درصد» عبارات دعایی ۳۱ نفر از مشایخ مترصّی در کتب صدوق، به نحوی است که نمی‌توان به صدور آن‌ها از جانب شیخ صدوق، اعتماد داشت. در این میان، داده‌های آماری شش راوی، موجب توقّف در اظهار نظر و مانع از برشمردن نامشان، ذیل یکی از دو دسته پیشین است.

کلیدواژه‌ها: توثیقات عام، صدوق، مشایخ صدوق، ترصّی، ترحم، إکثار.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۸.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث (ghaemfardsa@yahoo.com)

۲. استادیار دانشگاه قرآن و حدیث (mahdigh53@gmail.com)

۳. طلبه سطح سه موسسه فقهی امام کاظم (mohammad.erfan.makaremi92@gmail.com)

۱. مقدمه

بحث از دلالت ترصّی‌های شیخ صدوق بر وثاقت مترصّی، نیازمند اثبات دو گزاره است: نخست اثبات صدور این عبارات از جانب شیخ صدوق و دیگری دلالت آن بر وثاقت. بررسی آرای رجالیان درخصوص مبحث ترصّی، نشان می‌دهد عنایت غالب آنان، بر دومین گزاره بوده و ظاهراً به دلیل اعتماد به ناسخان و چاپ‌های موجود، از گزاره نخست بحثی نکرده‌اند؛ درحالی‌که بررسی‌ها و مشاهده نُسخ موجود و حتی چاپ‌های مختلف با تحقیقات متفاوت، نشان می‌دهد به هیچ وجه منهج یکسان یا حتی نزدیک به هم در نگارش عبارات دعایی پس از نام مشایخ مرحوم صدوق در کتب وی وجود ندارد. با این وجود، آن‌چه سبب عنایت به ترصّی و ترحم‌های موجود راجع به مشایخ مباشر صدوق در کتب ایشان شده و محل مناقشه درباره دلالت یا عدم دلالت این قبیل عبارات بر وثاقت یا حُسن حال واقع شده است، فراوانی قابل ملاحظه ترصّی و ترحم صدوق به نسبت سایر مؤلفان و به نسبت دیگر مشایخ صدوق است. این‌که اگر تمام این عبارات از سوی ناسخان اضافه شده است، پس «چرا فقط در کتب شیخ صدوق شاهد چنین آمار و کثرتی از وجود عبارات دعایی هستیم و در آثار دیگر مؤلفان، این تعداد ترصّی وجود ندارد؟» و «چرا این عبارات فقط راجع به مشایخ مباشر ایشان صادر شده و مشایخ غیر مباشر که بعضاً علو مقامی بیش از این اساتید داشته‌اند، بی بهره مانده‌اند؟». لذا با این‌که نسخ خطی و حتی چاپ‌های موجود امروزی، از حیث ذکر عبارات دعایی برای مشایخ صدوق، بسیار متفاوت‌اند، اما همان‌گونه که نمی‌توان تمام آنان را به شخص صدوق منتسب کرد، نمی‌توان از همه آنان و اصل اقدام صدوق به ترصّی و ترحم و امثال آن، چشم پوشید. لذا به نظر می‌رسد علاوه بر بحث درباره میزان دلالت «رضی الله عنه» (ترصّی)، «رحمة الله علیه» (ترحم)، «رضوان الله علیه» و دیگر عبارات دعایی، به سازوکاری نیاز است تا بتوان به «صدور» و «معناداری» این عبارات، راجع به دست کم برخی از مترصّیان در چاپ‌های موجود، اعتماد کرد. از این رو در ادامه پس از طرح و بررسی آرای رجالیان پیرامون دلالت ترحم و ترصّی بر وثاقت، میزان اعتماد به صدور این عبارات از صدوق، با استفاده از داده‌های آماری و دو مؤلفه «کثرت» و «درصد»، بررسی خواهد شد.

۱-۱. پیشینه پژوهش

با تتبعات انجام شده، می‌توان گفت به احتمال قوی، تبار میزان دلالت عبارات دعایی أَجَلًا بر وثاقت یا حُسن حال، به پس از علامه حلی (م ۷۲۶ق) می‌رسد؛ چرا که ظاهراً تا زمان ایشان، آنچه مورد عنایت بوده، فقط تَرَحُّم معصومان علیهم‌السلام بر راویان است (برای نمونه، ر. ک: حلی، ۱۳۸۱ش: ۸، ۳۵، ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۶۹ و ۱۹۱). در حالی که قدیمی‌ترین نشانه‌های تَرَحُّم و تَرَضُّی أَجَلًا به قرون ده و یازده بازمی‌گردد. مثلاً صاحب زبده الأَقوال (متوفای نیمه دوم قرن ۱۱ هجری)، به عنوان قدیمی‌ترین نقل یافت شده، ضمن بررسی وثاقت «محمد بن علی ماجیلویه» آورده است: «و لم أجد له توثيقاً ولا مدحاً صريحاً إلا أنَّ التَّرضی و التَّرحم من الصدوق» (حسینی حلی، ۱۳۸۶ش: ۴۸۴). یا کمی بعد، علاوه بر میرداماد (م ۱۰۴۱ق) که تَرَحُّم و تَرَضُّی بزرگان را دالّ بر وثاقت برمی‌شمرد (۱۴۲۲ق: ۱۰۵)، این توثیق عام توسط محمدتقی مجلسی (م ۱۰۷۰ق) نیز به کار گرفته می‌شود. مجلسی اول، کثرت تَرَحُّم شیخ صدوق بر «حسین بن احمد بن إدريس» را جابر مجهول بودن وی می‌داند: «و لا یضر جهالته مع اعتماد الصدوق علیه و ترجمه علیه عند ذكره أزيد من ألف مرة فیما رأیته من کتبه» (مجلسی، ۱۴۰۶ق: ج ۶۶/۱۴). از این روی، باید محدوده خاستگاه این مبحث را به پس از قرن هشت و پیش از قرن یازده باز گردانید؛ اما از میان قلم‌های وزین رانده شده درباره این موضوع، می‌توان به نگاشته‌هایی در خلال سایر مباحث رجالی در برخی از کتب اصول و فوائد رجالی (نظیر عدة الرجال شیخ محسن اعرجی، بحوث فی علم الرجال شیخ محمد آصف محسنی و أصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق از شیخ مسلم داوری) یا تنها تک‌نگاری موجود، یعنی مقاله «تَرَحُّم و تَرَضُّی» اثر علی حسن‌نیا و مکارم ترجمان (حدیث و اندیشه، ش ۲) اشاره کرد. مقاله یادشده به بررسی صدور این عبارات از معصومان علیهم‌السلام و صاحبان کتب رجالی پرداخته و با ذکر آرای برخی از علمای رجالی، میان مدالیل «تَرَحُّم» و «تَرَضُّی» تفاوت قائل شده است. در حالی که پژوهش حاضر منحصر به عبارات دعایی موجود در کتب مرحوم شیخ صدوق بوده و دلایل تفاوت مدالیل این دو لفظ را کامل ندانسته است. از سوی دیگر، هرچند در بحوث فی علم الرجال به ارائه آمار و تعداد عبارات دعایی، پرداخته شده است، اما نه

کتب

در این اثر و نه در هیچ یک از آثار پیش گفته، به تحلیل و نتیجه گیری از این داده های آماری پرداخته نشده است. تمایز دیگر پژوهش حاضر با نمونه های پیشین، عنایت جدی به امکان انتساب این عبارات به صادرکننده آن (در این جا شیخ صدوق) و ارائه دسته بندی تام از مشایخ مترضی، با توجه به داده های آماری است.

۲-۱. روش پژوهش

این پژوهش به روش آماری - تحلیلی و عنایت به دو سنجه «کثرت» و «درصد» و بر مبنای مطالعات کتابخانه ای در منابع روایی، انجام شده است.

۳-۱. ادبیات پژوهش

۱-۳-۱. ترضی

ابن فارس (م ۳۹۵ ق) در مقایس اللغة می نویسد: «رَضِيَ الرَّأْيُ وَالضَّادُّ وَالْحَرْفُ الْمُعْتَلُّ أَصْلٌ وَاحِدٌ يَدُلُّ عَلَى خِلَافِ السَّخَطِ.» (۱۳۹۹: ۴۰۲/۲).

ابن منظور (م ۷۱۱ ق) نیز در این باره چنین ذکر می کند: «رضي: الرضا، مقصور: ضدَّ السَّخَطِ» (۱۴۱۴ ق: ۳۲۳/۱۴).

فیروزآبادی (م ۸۱۷ ق) نیز در قاموس المحيط این واژه را به ضدَّ سَخَطِ معرفی می کند: «و مَرَضَاءٌ: ضِدُّ سَخَطٍ، ... قَالَ ابْنُ جَنِّي: وَكَانَ أَبُو عَلِيٍّ يَسْتَحْسِنُ قَوْلَ الْكِسَائِيِّ فِي هَذَا لِأَنَّهُ قَالَ: لَمَّا كَانَ رَضِيْتُ ضِدَّ سَخَطٍ» (۱۴۲۶ ق: ۱۲۸۸).

احمد رضا (م ۱۳۷۱ ق) در متن اللغة می آورد: «الرضا: ضد السخَط» (۱۳۷۷ ق: ۶۰۰/۲). در مواضع متعددی از قرآن کریم نیز «رضی» با همین معنا، به خداوند اضافه یا منسوب شده است که از جمله آن ها می توان به این آیات اشاره کرد: «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ» (مائده: ۱۱۹؛ توبه: ۱۰۰؛ مجادله: ۲۲؛ بینه: ۸)؛ «لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ» (فتح: ۱۸)؛ «فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَىٰ عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ» (توبه: ۹۶). برای نمونه کاربست روایی واژه رضی، در دعای پیامبر ﷺ آمده است: «وَأَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ...» (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۳: ۳۲۴)؛ بر این پایه می توان معنای «رضی» را مخالف «ناخرسندی و ناخشنودی» و معادل «خشنودی و خرسندی» قلمداد کرد.

۱-۳-۲. تَرْحَمَ

راجع به معنای ماده «رحم» در مقایس اللغة، چنین آمده است: «يُدُلُّ عَلَى الرَّقَّةِ وَالْعَطْفِ وَالرَّأْفَةِ. يُقَالُ مِنْ ذَلِكَ رَحِمَهُ يَرْحِمُهُ، إِذَا رَقَّ لَهُ وَتَعَطَّفَ عَلَيْهِ. وَالرُّحْمُ وَالْمَرْحَمَةُ وَالرَّحْمَةُ بِمَعْنَى» (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۲/ ۴۹۸).

ابن منظور نیز در این باره می آورد: «الرَّقَّةُ وَالتَّعَطُّفُ، وَ الْمَرْحَمَةُ مِثْلُهُ، وَقَدْ رَحِمْتُهُ وَتَرَحَّمْتُ عَلَيْهِ. وَ تَرَاخَمَ الْقَوْمُ: رَحِمَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا. وَ الرَّحْمَةُ: الْمَغْفِرَةُ... وَ تَرَحَّمْتُ عَلَيْهِ أَي قُلْتُ رَحْمَةً اللَّهُ عَلَيْهِ... وَ تَرَحَّمَ عَلَيْهِ: دَعَا لَهُ بِالرَّحْمَةِ...» (۱۴۱۴ق: ۱۲/ ۲۳۰).

صاحب قاموس المحيط، معنایی مشابه ابن فارس و ابن منظور ذکر می کند: «الرَّحْمَةُ، وَ يُحَرِّكُ: الرِّقَّةُ، وَالْمَغْفِرَةُ، وَ التَّعَطُّفُ، كَالْمَرْحَمَةِ وَ الرُّحْمِ، بِالضَّمِّ وَ بضمَّيْنِ، وَ الْفِعْلُ كَعَلِمَ. وَ رَحِمَ عَلَيْهِ تَرْحِيمًا، وَ تَرَحَّمَ، وَ الْأَوَّلَى الْفُضْحَى...» (فیروزآبادی، ۱۴۲۶ق: ۱۱۱۲).

در متن اللغة نیز در این باره آمده است: «رَحِمَهُ: ... رَقَّ لَهُ، تَعَطَّفَ عَلَيْهِ... تَرَحَّمَ عَلَيْهِ: قال له رحمة الله عليك ... الرَّحْمَةُ: الرَّقَّةُ وَ التَّعَطُّفُ...» (احمد رضا، ۱۳۷۷ق: ۲/ ۵۶۴).

قرآن کریم از واژه «رحمة» با معنای پیش گفته، بیش از دو واژه «رضی» و «رضوان» یاد کرده است؛ رحمتی که غالباً به خداوند منسوب شده است. برخی از آنان، از این قرارند: «فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ» (نساء: ۱۷۵)؛ «فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ» (انعام: ۱۴۷)؛ «فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (آل عمران: ۱۰۷)؛ «رَحِمْتُ اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ» (هود: ۷۳)؛ «إِنَّ رَحِمْتَ اللَّهُ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ» (أعراف: ۵۶)؛ «يُسِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُقِيمٌ» (توبة: ۲۱).

۱-۳-۳. رضوان

واژه «رضوان» نیز از مواردی است که در عبارات دعایی موجود در آثار فعلی مرحوم صدوق مشاهده می شود. این واژه، مورد استفاده قرآن کریم نیز واقع شده است، برای مثال: «وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» (توبه: ۷۲)؛ «يُسِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ» (توبه: ۲۱)؛ «يَتَّبِعُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا» (مائده: ۲؛ فتح: ۲۹؛ حشر: ۸). اما لغت شناسان، این واژه را ذیل «رضی» آورده و تفاوت لغوی قابل اعتنایی میان این دو واژه قائل نشده اند (ابن

تفاوت

تفاوت معنایی عبارات دعایی وی با رویکرد آماری

فارس، ۱۳۹۹: ۴۰۲/۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۳۲۴/۱۴؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۶ق: ۱۲۸۸؛ احمدرضا، ۱۳۷۷ق: ۶۰۰/۲).

۲. دیدگاه صاحب نظران رجالی

از آن جا که در نگاه رجالیان، نمود «ترضی» بیش از «ترحم» است، لذا شماری از علمای رجال، متعرض دلالت ترحم نشده‌اند. از این رو، تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ای که ارائه شده، بر اساس نظریات ایشان درباره دلالت ترضی بوده و اگر آن عالم رجالی، نظری درخصوص دلالت ترحم نیز اظهار فرموده، در اثنای بحث بیان شده است.

۱-۲. تلازم ترضی با وثاقت

برخی از دانشیان رجالی، «ترضی» شیخ صدوق بر مشایخش را دال بر وثاقت دانسته‌اند؛ اما نظریات ایشان راجع به مدلول «ترحم»، یکسان نیست. در میان آنان که متعرض این موضوع شده‌اند، برخی «ترحم» را نیز دال بر وثاقت می‌دانند و برخی دیگر دلالتی برای آن قائل نیستند. میرداماد (م ۱۰۴۱ ق) و سید نعمت الله جزایری (م ۱۱۱۲ ق)، ترضی و ترحم بزرگان برای مشایخشان را دال بر توثیق آنان می‌داند (میرداماد، ۱۴۲۲ق: ۱۰۵؛ جزایری، بی‌تا: ۴۹/۲ و ۵۰). جعفر سبحانی با عباراتی نه چندان صریح، احتمالاً به دلالت ترضی تنها بر وثاقت توسط شیخ صدوق باورمند است. ایشان ضمن تحلیل شخصیت عبدالواحد بن عبدوس بیان می‌کند: «مرحوم صدوق در مشیخه خودش نسبت به او (عبد الواحد بن عبدوس) گفته: رضی الله عنه، مسلماً کسی را که صدوق درباره‌اش بفرماید: رضی الله عنه، مقام بالایی دارد» (سایت مدرسه فقاقت، درس خارج فقه، ۱۳۹۳/۱۲/۳).

مسلم داوری معتقد است ترضی بر اساتید و نیز سایر روات، دلالت بر وثاقت آن شخص داشته و إکثار آن تأکیدی بر وثاقت است؛ اما ترحم دلالتی بر وثاقت ندارد (۱۴۱۶ق: ۴۹۲ و ۴۹۳).

سید محمدرضا سیستانی، ترضی (حتی بدون إکثار) علما برای اساتیدشان و سایرین را نشانه جلالتی ما فوق وثاقت برشمرده است؛ اما بر آن است که عبارت «ترحم» نه تنها وثاقت، بلکه مدح را نیز ثابت نمی‌داند: «أما الترحم فالصحيح وفقاً لسيد الأستاذ أنه لا يفيد المدح» (۱۴۳۷ق: ۳۱/۱؛ ۱۴۲۸ق: ۳۵۳ - ۳۵۴).

۲-۲. عدم تلازم ترضی با وثاقت

امام خمینی (م ۱۴۰۹ ق)، اصل ترضی و حتی تکرر آن توسط شیخ صدوق را دالّ بر وثاقت اشخاص نمی‌داند (۱۳۸۱ ق: ۵۵/۲).

سید ابوالقاسم خویی (م ۱۴۱۳ ق) و محقق شوشتری (م ۱۴۱۵ ق) نیز مجرد ترضی یا ترحم مرحوم صدوق بر مشایخش را دالّ بر وثاقت ایشان نمی‌دانند. (خویی، ۱۴۱۰ ق: ۳۷۹/۴؛ شوشتری، ۱۴۱۰ ق: ۷۱/۱).

سید احمد مددی هم در این باره می‌فرماید: «ترضی شیخ صدوق مدلولش این است که ایشان شیعه است، بیش از این نیست، چون شیخ صدوق از مقدار زیادی مشایخ سنی نقل می‌کند» (درس خارج فقه مکاسب، ۸۶ - ۱۳۸۵، جلسه ۶).

۳-۲. قول به تفصیل

عده‌ای از رجالیان، در دلالت «ترضی» بر وثاقت، راه تفصیل را پیموده‌اند. نظریات این دست از علما را نیز می‌توان به سه قسم، تقسیم نمود:

۱-۳-۲. دلالت کثرت ترضی به انضمام قرائن دیگر بر وثاقت

آیه الله سید موسی شبیری، در بررسی سند حدیثی که در آن محمد بن ابراهیم بن اسحاق طالقانی واقع است می‌فرماید: «[وی] توثیق صریح ندارد؛ ولی صدوق از وی بسیار روایت می‌کند و مکرر بر او ترضی و ترحم می‌کند و این مقدار برای اثبات وثاقت وی کافی است» (۱۴۱۹ ق: ۲۹۶۲/۹).

سید محمدجواد شبیری هرچند ترحم را دالّ بر صحت مذهب و امامی بودن شخص دانسته (سایت مدرسه فقهات، درس خارج اصول، ۱۳۹۶/۱۲/۱۵)، اما بر آن است که کثرت و استمرار ترحم و ترضی اگر با عواملی که موجب توثیق می‌شوند (نظیر اکثار روایت)، ملازم باشد دالّ بر توثیق است؛ ولی به خودی خود دلالت بر توثیق ندارد (سایت مدرسه فقهات، درس رجال، سال ۱۳۹۱، جلسه ۷۰؛ نیز ر.ک: درس خارج فقه، ۱۴۰۱/۱۱/۲۶).

محمد باقر ملکیان، کثرت ترضی و ترحم شیخ صدوق را دالّ بر حسن حال شخص دانسته و در کنار قرائن دیگر، مفید وثاقت می‌داند (مصاحبه شفاهی نگارندگان، مورخ ۱۴۰۲/۸/۱۱).

حیدر حبّ الله نیز برآن است قاعده دلالت ترضی و ترحم بر وثاقت، پذیرفته نیست. ایشان بر این باور است که: ترضی به خودی خود دلالت بر این مطلب دارد که مترضی علیه، نزد مترضی دارای شخصیتی غیر کاذب و جاعل است و اکثار ترضی دلالت بر حسن حال فرد نزد مترضی می‌کند؛ اما می‌توان با ضمیمه کردن قرائن دیگر و حالات مختلف، از کثرت ترضی (و ترحم) به ترجیح قوی یا اطمینان دست یافت. (حبّ الله، بی تا: ۳۵۶/۲).

۲-۳-۲. دلالت ترضی بر حسن حال (مؤثر در فرآیند تجمیع قرائن بر وثاقت)

وحید بهبهانی (م ۱۲۰۵ ق)، ترحم و ترضی را دالّ بر حسن حال راوی قلمداد فرموده است (وحید بهبهانی، ۱۵۱۵ق: ۲۳۱).

مرتضی انصاری (م ۱۲۸۱ ق) ترضی شیخ صدوق بر مشایخ را به عنوان یکی از عناصر تشکیل دهنده اطمینان به راوی قلمداد می‌کند و جداگانه برای آن ارزش خاصی قائل نیست (انصاری، ۱۴۱۵ق: ۱۹۰).

محدث نوری (م ۱۳۲۰ ق) نیز به مناسبت ذکر نام علی بن حسین سعدآبادی، ترضی صدوق را در کنار دیگر مؤلفه‌ها، زمینه‌ساز استظهار وثاقت قلمداد نموده است (نوری، بی تا: ۳۸/۴). از ظاهر عبارات خاتمه مستدرک، چنین برمی‌آید که ایشان نیز تفاوتی میان مدالیل ترحم و ترضی قائل نیست (نوری، بی تا: ۹۷/۴ و ۲۲۴/۷).

عبد الله مامقانی (م ۱۳۵۱ ق)، قائل به دلالت ترحم و ترضی بر حسن حال راوی است. گرچه می‌توان گفت ایشان با به کار بستن «بل»، تمایل خویش را به دلالت این دو عبارت بر جلالت قدر (و شاید وثاقت) راوی نشان داده است: «و منها (اسباب المدح) ذکر الجلیل شخصاً مترضياً أو مترحماً، فإنّه یکشف عن حسن ذلک الشخص بل جلالتّه» (۱۴۱۱ق: ۲۷۵/۲ و ۲۷۶).

سید حسن صدر (م ۱۳۵۴ ق)، با ذکر پیشینه‌ای از چگونگی ترحم و ترضی در سیره عالمان امامیه، به این نکته اشاره می‌کند که ترحم و ترضی عالمان از شخصیتی، تنها نشانگر مدح وی است (بی تا: ۴۲۲).

سید سعید حکیم (م ۱۴۴۳ ق)، به مناسبت بررسی سند روایتی مشتمل بر عبدالواحد بن

محمد بن عبدوس، ترصّی را در کنار اکثار روایت، موجب وثاقت می‌داند (۱۴۳۵ق: ص ۴۰).
 محمد سند، مجرّد ترصّی را دالّ بر وثاقت اشخاص نمی‌داند؛ اما معتقد است به تنهایی
 مانند سایر قرائن، حسن ظاهر به حساب می‌آید که میزانی از کاشفیّت را داراست (۱۴۲۶ق:
 ۱۷۶).

۳-۳-۲. دلالت کثرت ترصّی بر حُسن حال

محمد آصف محسنی (م ۱۴۴۰ ق) در جایی، کثرت ترحم و ترصّی را دالّ بر حُسن حال
 شخص دانسته و در پی آن به روایات وی اعتماد می‌کند (۱۴۳۲ق: ۹۶ و ۹۷) و در جایی دیگر
 صراحتاً کثرت استعمال عبارات دعایی را دالّ بر وثاقت می‌داند (۱۳۹۴ش: ۴۴)؛ اما سلوک
 عملی وی نشان‌دهنده پایبندی به حُسن حال است (۱۴۳۲ق: ۳۵۸).

آن‌گونه که ملاحظه شد، در برخی از نظریات به مؤلفه «کثرت» عنایت ویژه‌ای شده است.
 به نظر می‌رسد این مؤلفه در جهت اثبات «صدور» و «معناداری» این عبارات باشد؛ به این بیان
 که عبارات دعایی درخصوص مشایخ مباشر مرحوم صدوق، باید به قدری باشد که اولاً احتمال
 صدور این عبارات از سوی ناسخان، تا حدّ قابل قبولی تقلیل یابد (دریاب، ۱۴۳۰ق: ۱۸) و
 ثانیاً حاکی از عنایت ویژه صدوق به مدلول چنین عباراتی باشد؛ چرا که الفاظی مانند «ترصّی»
 و «ترحم» به خودی خود، از الفاظ توثیق به حساب نمی‌آیند؛ لذا نمی‌توان صرف وجود آن را
 مانند سایر الفاظ توثیق نظیر: «ثقة»، «عدل» و... دالّ بر وثاقت شخص دانست؛ در حالی که
 «کثرت» استعمال این الفاظ، می‌تواند کاشف از وثاقت شخص نزد صادر کننده آن باشد. از
 این رو، اساساً استدلالاتی که عنصر «کثرت» در ساختارشان لحاظ نشده، تمام نیست. لذا،
 نگاه آماری و جامع به «کثرت» عبارات دعایی به کار رفته برای مشایخ بلاواسطه شیخ صدوق،
 ضروری می‌نماید.

۳. ارائه و بررسی داده‌های آماری

در ادامه به بررسی کمّ و کیف استعمال عبارات دعایی در کتب موجود مرحوم صدوق
 مطابق چاپ‌های موجود در نرم‌افزار «جامع الأحادیث» نور (ویرایش ۳/۵) پرداخته خواهد
 شد. اهمیت مؤلفه «کثرت» در داده‌های آماری، زمانی بهتر مشخص خواهد شد که نُسخ خطی

و دیگر چاپ‌ها نیز ملاحظه شود؛ چرا که تفاوت‌های عمده موجود در آن‌ها، مانع پذیرش صدور و معناداری تمام این عبارات از شیخ صدوق خواهد شد؛ اما همان‌گونه پیش از این نیز اشاره شد، وجود حجم فراوان ترصّی و ترحم در کتب صدوق نسبت به کتب دیگر مؤلفان، ترصّی و ترحم مشایخ مباشر صدوق و نه مشایخ غیر مباشر و تاحدودی توجّه علمای قرون پیشین به این موضوع، می‌تواند گویای صدور اصل این عبارات از جانب صدوق باشد (دریاب، بی‌تا: ۹۰).

نگارندگان، دلایل ارائه شده جهت اثبات تفاوت میان مدالیل «ترحم» و «ترصّی» را قاعده‌مند و قابل تعمیم به اعصار گذشته نمی‌دانند؛ چرا که دلایل بیان شده، بیشتر ناشی از تبادر امروزی (نه الزاماً قابل انتساب به زمان مرحوم صدوق) است. لذا دسته‌بندی‌های موجود در این پژوهش، بر اساس جمع تعداد موارد ترحم و ترصّی، جهت احراز مؤلفه «کثرت» است؛ اما با توجّه به این که برخی از معاصران، دلالت یکسانی برای «ترحم» و «ترصّی» قائل نبوده و دلالت «ترصّی» را فراتر از «ترحم» می‌دانند، درصدهایی که به منظور کاشفیت از معناداری، ارائه می‌شود، با دو شیوه محاسبه شده‌اند: یکی نسبت «ترصّی» به تعداد دفعاتی که نام راوی آمده است و دیگری نسبت «ترصّی» و «ترحم» به این تعداد. شایان توجّه آن‌که از سویی ظاهراً عبارت «رضوان الله علیه» دلالتی پایین‌تر از «رضی الله عنه» بر وثاقت اشخاص نداشته و از سوی دیگر احتمال تصحیف این دو به یک‌دیگر وجود دارد؛ لذا این دو عبارت در آمار ارائه شده تحت عنوان «ترصّی» محاسبه شده‌اند. نیز ناگفته نماند عبارات دعایی کتاب ثواب الأعمال موجود در نرم‌افزار نور، به صورت «ره» آمده است. از آن‌جا که مشهور، این عبارت را رمزی از «رحمة الله علیه» می‌داند (مامقانی، ۱۴۱۱ق: ۱۲۵) و از سوی دیگر در نگاه قائلان به تفاوت مدالیل الفاظ ترحم و ترصّی، «ترحم» اقل دلالت بر وثاقت و حسن حال را در میان عبارات دعایی داراست، «ره»‌ها در عداد «رحمة الله علیه» قرار گرفته‌اند.

۱.۳. اطمینان به «صدور» و «معناداری»

نگاه آماری درخصوص مشایخ مباشر شیخ صدوق، بیانگر صدق «صدور» و «معناداری» عبارات دعایی درخصوص دست کم ۲۳ نفر از ایشان است. به این بیان که تعداد عبارات

به کاررفته برای این دست از مشایخ از سویی و درصد وجود این عبارات، به عدم وجود آنها از سوی دیگر، به نحوی است که اطمینان به «صدور» لااقل تعداد معتابیهی از این عبارات از جانب مرحوم صدوق و البته «معناداری» و عنایت ایشان به کاربست این واژگان را پدید می آورد. (سید محمد شبیری، سایت مدرسه فقاہت، درس خارج فقه، ۱۴۰۱/۱۱/۲۶)

ردیف	نام راوی	عبارت دعایی					بدون عبارت دعایی
		ترصّی		ترخم	جمع	تعداد	
		تعداد	درصد				
۱	علی بن حسین بن موسی بن بابویه	۱۰۹۲	% ۴۲	۱۴۹۵	۲۵۸۷	% ۹۹/۶	۱۰
۲	محمد بن الحسن بن أحمد بن الولید	۷۳۵	% ۵۸/۱	۲۵۵	۹۹۰	% ۷۸/۳	۲۷۲
۳	محمد بن موسی بن المتوکل	۲۳۵	% ۴۵/۱	۱۳۰	۳۶۵	% ۷۰/۱	۱۵۵
۴	محمد بن علی ماجیلویه	۲۳۳	% ۵۲/۱	۸۷	۳۲۰	% ۷۱/۵	۱۲۷
۵	علی بن أحمد بن موسی بن محمد بن عمران اللقاق	۱۳۵	% ۴۴/۵	۱۱۹	۲۵۴	% ۸۳/۸	۴۹
۶	أبو العباس محمد بن إبراهیم بن إسحاق الطالقانی	۱۵۵	% ۷۰/۴	۳۱	۱۸۶	% ۸۴/۵	۳۴
۷	احمد بن زیاد بن جعفر الهمدانی	۱۳۳	% ۷۴/۷	۲۴	۱۵۷	% ۸۸/۲	۲۰
۸	احمد بن محمد بن یحیی العطار	۹۰	% ۵۳/۲	۴۴	۱۳۴	% ۷۹/۲	۳۳
۹	الحسین بن احمد بن إدريس	۵۸	% ۴۱/۷	۵۵	۱۱۳	% ۸۱/۲	۲۶
۱۰	جعفر بن محمد بن مسرور	۵۶	% ۵۳/۳	۳۸	۹۴	% ۸۹/۵	۱۱
۱۱	المظفر بن جعفر بن المظفر العلوی السمرقندی	۵۵	% ۷۳/۳	۱۰	۶۵	% ۸۶/۶	۱۰
۱۲	الحسین بن إبراهیم بن أحمد بن الهشام المکتب	۵۷	% ۷۱/۲	۸	۶۵	% ۸۱/۲	۱۵
۱۳	محمد بن احمد السنانی (الشیبانی) المکتب	۵۱	% ۷۹/۶	۲	۵۳	% ۸۲/۸	۱۰
۱۴	عبدالواحد بن محمد بن عبدوس النیسابوری العطار	۳۸	% ۶۲/۲	۸	۴۶	% ۷۵/۴	۱۵
۱۵	حسین بن إبراهیم بن ناتانه	۲۴	% ۵۰	۱۹	۴۳	% ۸۹/۵	۵

۱۶	حمزة بن محمد بن أحمد العلوی	۲۳	% ۳۲/۳	۱۴	۳۷	% ۵۲/۱	۳۴
۱۷	محمد بن محمد بن عصام الكلینی	۲۵	% ۶۷/۵	۹	۳۴	% ۹۱/۸	۳
۱۸	محمد بن القاسم المفسر الجرجانی الأسترآبادی	۲۷	% ۶۱/۳	۴	۳۱	% ۷۰	۱۳
۱۹	احمد بن علی بن إبراهیم بن هاشم	۲۱	% ۶۳/۶	۸	۲۹	% ۸۷/۸	۴
۲۰	احمد بن هارون الفامی	۲۲	% ۶۲/۸	۳	۲۵	% ۷۷/۱	۸
۲۱	تمیم بن عبدالله بن تمیم القرشی الحیرئ	۱۹	% ۶۱/۲	۵	۲۴	% ۷۷/۴	۷
۲۲	جعفر بن علی بن عبدالله بن المغيرة الکوفی	۲۱	% ۴۴/۶	۳	۲۴	% ۵۱	۲۳
۲۳	علی بن احمد بن عبدالله البرقی	۷	% ۸/۴	۱۶	۲۳	% ۲۷/۷	۶۰

جدول شماره ۱

چند نکته راجع به جدول فوق قابل ذکر است:

۱. موارد به نسبت زیاد عدم ذکر عبارات دعایی، راجع به ابن ولید، محمد بن موسی بن المتوکل و محمد بن علی ماجیلویه، از آن جهت است که کتاب ثواب الأعمال (سیستانی، ۱۴۲۸ق: ۳۵۴) و تا حدودی علل الشرائع، در صدر کتبی هستند که عدم وجود عبارات دعایی در آن‌ها بسیار مشهود است. برای نمونه، آمار کلی ترصّی‌های موجود در ثواب الأعمال از این قرار است:

ردیف	راوی (در کتاب ثواب الأعمال)	عبارت دعایی	بدون عبارت دعایی
۱	أبی (علی بن حسین بن موسی بن بابویه)	۴۳۸	۰
۲	محمد بن موسی بن المتوکل	۲	۹۱
۳	محمد بن الحسن بن احمد بن الولید	۶	۱۹۵
۴	محمد بن علی بن ماجیلویه	۴	۶۸
۵	حمزة بن محمد العلوی	۴	۶

جدول شماره ۲

از جدول فوق به روشنی پیداست که منهجی متفاوت در این کتاب نسبت به سایر کتب شیخ صدوق حاکم است؛ منهجی برگرفته از قلم شخص وی یا ناسخان. به هر تقدیر در این

کتاب، اعتنایی به ترصّی مشایخی جز صدوق پدر، نشده است؛ اما با این وجود باز چنان کثرت قابل توجهی درخصوص این افراد به چشم می خورد که مانع اعتنا به موارد عدم وجود عبارات دعایی در نسخه بررسی شده می گردد.

۲. راجع به حضور «عبدالواحد بن محمد بن عبدوس» در جدول شماره ۱، شاید در نگاه نخست، پانزده مرتبه عدم ترصّی در مقابل موارد نه چندان بالای ترصّی و ترحم (در مقایسه با سایر روات حاضر در جدول مذکور)، به سادگی قابل مسامحه نباشد؛ اما آنچه به نظر می رسد توانایی تقلیل اعتنا به این پانزده مورد را داراست، عباراتی است که پس از نام راوی به عناوین مختلف آمده و غالباً مانع ذکر عبارات دعایی می شود. این عناوین، گاه ذکر سلسله نسب راوی علوی، تا امیرالمؤمنین علیه السلام و گاه ذکر زمان و مکان تحمّل حدیث است. مثلاً در آمار ترصّی «حسن بن محمد بن یحیی العلوی»، شش مرتبه عدم ترصّی وجود دارد که هر شش مورد، می تواند شاهد محل بحث قرار گیرد. از مجموع ۲۱ مرتبه ای که نام این راوی در اسانید کتب یادشده وجود دارد، تمام پانزده مورد دارای ترحم و ترصّی، مواردی بوده که فاقد عناوین مختلف مانند سلسله نسب و زمان و مکان تحمّل حدیث است. در حالی که شش مورد فاقد ترصّی و ترحم، از این قرارند:

– حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى بْنِ الْحَسَنِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَالَ حَدَّثَنِي جَدِّي ... (صدوق، ۱۳۹۸ ق: ۳۷۳)

– حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى بْنِ الْحَسَنِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَالَ حَدَّثَنِي جَدِّي ... (صدوق، الف ۱۳۶۲ ش: ۷۶/۱).

– حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى بْنِ الْحَسَنِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَالَ حَدَّثَنِي جَدِّي ... (صدوق، ۱۳۸۵ ش: ۱۳۳/۱).

– حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى بْنِ الْحَسَنِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَالَ حَدَّثَنِي جَدِّي ... (صدوق، ۱۳۸۵ ش: ۱۶۹/۱).

- وَ أَخْبَرَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى الْعَلَوِيُّ ابْنُ أَخِي طَاهِرٍ بِبَغْدَادَ طَرَفِ سُوْقِ الْقُطْنِ فِي دَارِهِ قَالَ: ... (صدوق، ۱۳۹۵ق: ۵۰۵/۲).

- وَ أَخْبَرَنِي أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى بْنِ الْحَسَنِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فِيمَا أَجَاؤُهُ لِي مِمَّا صَحَّ عِنْدِي مِنْ حَدِيثِهِ وَ صَحَّ عِنْدِي هَذَا الْحَدِيثُ ... (صدوق، ۱۳۹۵ق: ۵۴۳/۲).

چنین حالتی بر آمار ترصی و عدم ترصی أبو محمد الحسن بن حمزة العلوی (صدوق، الف ۱۳۶۲ش: ۵۳۲/۲) نیز حاکم است. هم چنین راجع به احمد بن محمد [بن محمد] بن عیسی العلوی الحسینی، به جز دو مورد عدم ذکر در علل الشرایع (صدوق، ۱۳۸۵ش: ۵۷۳/۲ و ۵۷۴) (با فضای خاص حاکم بر عبارات دعایی در این کتاب) مابقی موارد با آنچه درباره دو راوی پیشین گفته شد، مطابقت دارد.

در نتیجه، شش مورد از پانزده مورد عدم ترصی عبدالواحد بن محمد بن عبدوس را می توان به همین انگاره نسبت داد:

- حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عَبْدِوَسٍ الْعَطَّارُ بَنِيْسَابُورَ سَنَةَ اثْنَتَيْنِ وَ خَمْسِينَ وَ ثَلَاثِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنَا ... (صدوق، ۱۴۰۳ق: ۱۴۵؛ ۱۳۷۸ق: ۲۲۵/۲).

- حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عَبْدِوَسٍ الْعَطَّارُ النَّيْسَابُورِيُّ بَنِيْسَابُورَ فِي شَعْبَانَ سَنَةِ اثْنَتَيْنِ وَ خَمْسِينَ وَ ثَلَاثِ مِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنَا ... (صدوق، ۱۳۷۸ق: ۹۹/۱ و ۱۱۸ و ۲۰۹؛ ۹۹/۲)

۳. درخصوص حضور «حمزة بن محمد بن أحمد العلوی»، با وجود درصد پایینی که نسبت به سایر مشایخ جدول شماره ۱ دارد، قابل ذکر است که ۳۴ مرتبه عدم وجود عبارت دعایی برای وی، محل مناقشه است؛ به این بیان که با توجه به جدول زیر، می توان ۲۳ مرتبه از ۳۴ مرتبه عدم وجود عبارت دعایی برای وی را معلول ذکر نام وی، همراه با قید نسب تا امیرالمؤمنین علیه السلام دانست. یازده موردی که نام وی بدون قید ذکر شده، مربوط به کتب أمالی (یک مرتبه)، ثواب الأعمال (شش مرتبه) و علل الشرایع (چهار مرتبه) است. وضعیت متفاوت کتاب ثواب الأعمال و تا حدودی کتاب علل الشرایع در نگارش عبارات دعایی از سویی، و فضای نگارشی خاص کتاب أمالی - که تنها به إملاي شیخ صدوق بوده ولی توسط ایشان نگارش نشده است - از سوی دیگر، اهمیت پایین این تعداد را نشان می دهد.

بدون عبارت دعایی		با عبارت دعایی	راوی
بدون قید (نسب و زمان و مکان تحمل حدیث)	همراه با قید (نسب و زمان و مکان تحمل حدیث)		
۱۱	۲۳	۳۷	حمزة بن محمد بن أحمد العلوی

جدول شماره ۳

۴. هر چند «درصد» وجود عبارات دعایی برای دو راوی آخر جدول (جعفر بن علی بن مغیره و علی بن أحمد برقی) پایین است، اما «کثرت» عبارات مربوط به آنها به اندازه‌ای است که می‌توان به صدور لااقل تعدادی از آنها توسط شیخ صدوق، اطمینان داشت و همه را معلول ناسخان ندانست.

۵. در میان مشایخ موجود در جدول شماره ۱، پنج راوی - که شامل: علی بن حسین بن بابویه (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۳۶۱)، ابن ولید (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۳۸۳)، محمد بن موسی بن متوکل (حلی، ۱۴۱۱ق: ۱۴۹)، احمد بن زیاد همدانی (حلی، ۱۴۱۱ق: ۱۹) و جعفر بن محمد بن مسرور (نجاشی، ۱۳۶۵ش: ۱۲۳) می‌شود - دارای توثیق خاص، دو راوی: محمد بن القاسم مفسر أسترآبادی و تمیم بن عبدالله بن تمیم قرشی (ابن غضائری، ۱۴۲۲ق: ۹۸) دارای تضعیف و سایرین فاقد توثیق یا تضعیف رجالی هستند. با توجه به بی‌اعتباری منفردات مرحوم ابن غضائری در تضعیفات (خویی، ۱۴۰۹ق: ۴۳/۱؛ سید موسی شبیری، سایت معظم له، درس خارج اصول: برائت، ۱۳۹۷/۰۱/۲۸)، جدول شماره ۱ در توثیق هجده راوی، مؤثر و کارآمد است.

۲-۳. احتمال «صدور» و «معناداری»

عنایت به تعداد ترصّی یا مجموع عبارات دعایی درخصوص مشایخ مباشر صدوق در کتب ایشان، به نحوی پیوسته و نزدیک به هم است که امکان صدور رأیی قاطع و نهایی راجع به دو دسته کردن مشایخ از حیث وجود و عدم وجود احتمال صدور از سوی صدوق را دشوار می‌سازد. از این رو، در این بخش، به بررسی مشایخی پرداخته می‌شود که لااقل در نگاه نخست، نتوان درباره نفی یا اثبات اطمینان و اعتبار صدور، نظری داد. البته برخی از مشایخ این قسمت، با تحلیل‌ها و دقت‌نظرهای بیشتر، ملحق به دو قسم دیگر خواهند شد.

ردیف	نام راوی	عبارت دعایی					
		ترصّی		ترخّم	جمع		بدون عبارت دعایی
		تعداد	درصد	تعداد	تعداد	درصد	
۱	علی بن عبدالله الوزّاق	۴۴	% ۴۷/۳	۴	۴۸	% ۵۱/۶	۴۵
۲	احمد بن الحسن القطّان	۱۳	% ۷	۴	۱۷	% ۹/۲	۱۶۷
۳	احمد بن محمد بن الهیثم العجلی	۱۳	% ۸۱/۲	۲	۱۵	% ۹۳/۷	۱
۴	الحسن بن محمد بن یحیی العلوی اَبْنُ أَخِي طَاهِر	۹	% ۴۲/۸	۶	۱۵	% ۷۱/۴	۶
۵	علی بن الحسین بن شاذویه المؤدّب	۱۱	% ۶۸/۷	۳	۱۴	% ۸۷/۵	۲
۶	محمد بن علی بن بشار القزوینی	۸	% ۵۰	۳	۱۱	% ۶۸/۷	۵
۷	علی بن عیسی القمی المجاور	۷	% ۵۸/۳	۳	۱۰	% ۸۳/۳	۲
۸	الحاکم أبو محمد جعفر بن نعیم بن شاذان	۹	% ۶۴/۲	۱	۱۰	% ۷۱/۴	۴
۹	محمد بن بکران النقاش	۶	% ۵۰	۲	۸	% ۶۶/۶	۴
۱۰	أبو محمد بن جعفر بن علی بن احمد الفقیه	۶	% ۱۰۰	۰	۶	% ۱۰۰	۰
۱۱	عمار بن الحسین بن إسحاق الأسروشی	۶	% ۱۰۰	۰	۶	% ۱۰۰	۰
۱۲	عبدالله بن محمد الصانغ	۵	% ۴۱/۶	۱	۶	% ۵۰	۶
۱۳	عبدالله بن النضر بن سمعان التمیمی	۴	% ۸۰	۱	۵	% ۱۰۰	۰
۱۴	أبو جعفر محمد بن علی الأسود	۵	% ۱۰۰	۰	۵	% ۱۰۰	۰
۱۵	أبو محمد الحسن بن حمزة العلوی	۵	% ۸۳/۳	۰	۵	% ۸۳/۳	۱
۱۶	احمد بن محمد بن عیسی العلوی	۴	% ۳۳/۳	۱	۵	% ۴۱/۶	۷

جدول شماره ۴

با توجه به وضعیت متفاوت راویان در جدول فوق، چند نکته قابل ذکر است:

۱. راجع به حضور «علی بن عبدالله الوزّاق» در این جدول باید دانست هر چند داده‌های

آماري در خصوص وی حاکی از ۴۸ بار استعمال عبارات دعایی به نسبت ۴۵ بار عدم استعمال بوده و مؤلفه «کثرت» را به خوبی داراست، اما در این عبارات دعایی، مناقشاتی وجود دارد؛ برای مثال ترضی‌های درباره علی بن عبدالله الوراق در کتاب عیون، جمعاً ۲۴ بار بوده که شانزده مرتبه آن، همراه با دیگران و در هشت مرتبه دیگر، به تنهایی مورد ترضی قرار گرفته است. هشت مرتبه هم در این کتاب، نامش بدون عبارت دعایی یاد شده است. وضعیت ترضی‌های وی، در کمال الدین و علل الشرایع از این هم مشکوک‌تر است؛ از دوازده باری که از علی بن عبدالله الوراق در کتاب کمال الدین ذکر شده، هفت مرتبه نام وی به تنهایی در طبقه آورده شده که ترضی نشده، حتی در موردی با این که کنار دیگران نام برده شده، ولی باز از ترضی برای هیچ‌کدام از این روات خبری نیست (صدوق، ۱۳۹۵ق: ۳۲۰/۱). چهار موردی که نام وی با ترضی استعمال شده، مواردی است که از وی در کنار سایرین، یاد شده است (صدوق، ۱۳۹۵ق: ۳۳۶/۲، ۳۷۹، ۴۳۵ و ۵۲۰). نیز از مجموع شانزده یادکرد وی در علل الشرایع، هشت مرتبه مورد ترضی واقع شده که تنها سه مورد آن، راجع به انحصار وی در طبقه بوده و پنج مورد دیگر در کنار دیگر اسامی، حائز ترضی شده است. نسبت این ارقام به هشت موردی که وی مورد ترضی واقع نشده، قابل تأمل است؛ مگر آن که به همین روش، وجود «علی بن محمد بن الحسن معروف به ابن مقبره» را دلیل عدم ترضی دانسته که در شش مورد از این هشت مورد، کنار نام علی بن عبدالله واقع شده است؛ زیرا ذکر نام ابن مقبره از لحاظ آماری، فاقد هر گونه ترضی بوده و به طور کلی یا در کنار نام علی بن عبدالله الوراق است یا به تنهایی در طبقه‌اش حضور دارد:

عدم ترضی ابن مقبره	أمالی	توحید	خصال	کمال الدین	معانی الأخبار	علل الشرایع
در کنار علی بن عبدالله الوراق	۰	۱	۰	۰	۵	۶
به تنهایی در طبقه روات	۲	۰	۴	۱	۱	۲
مجموع	۲	۱	۴	۱	۶	۸

جدول شماره ۵

خلاصه آن که به نظر می‌رسد استفاده عبارات دعایی برای علی بن عبدالله الوراق، بیشتر مرهون وجود نام سایر روات باشد؛ به ویژه آن که در مواضعی از کتب مختلف مرحوم صدوق، ظاهراً به نحو مصرانه‌ای از آوردن ترصی و ترخم برای علی بن عبدالله الوراق اجتناب شده است:

- حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَعَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ قَالَ (صدوق، ۱۳۷۸ق: ۳۱۵/۱).
- حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِمْرَانَ الدَّقَّاقُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَمُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَانِيِّ وَعَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ وَالْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ هِشَامٍ الْمُكْتَبُ قَالُوا (صدوق، ۱۳۷۸ق: ۲۷۲/۲).
- حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى الدَّقَّاقُ رَحِمَهُ اللَّهُ وَعَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ جَمِيعاً قَالَا (صدوق، ۱۳۷۶ش: ۳۳۸).
- حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِمْرَانَ الدَّقَّاقُ رَحِمَهُ اللَّهُ وَعَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ قَالَا (صدوق، ۱۳۹۸ق: ۸۱).

در نتیجه، احتمال صدور عبارات دعایی برای علی بن عبدالله الوراق از جانب شخص شیخ صدوق، به شدت متزلزل بوده و نمی‌توان به موارد وجود این عبارات اعتنا کرد؛ لذا اساساً این راوی را می‌توان به دسته سوم از مشایخ صدوق، ملحق دانست.

۲. نکته قابل ذکر راجع به «احمد بن الحسن القطان» آن است که هرچند نام وی در کتب بررسی شده صدوق، سیزده مورد ترصی و چهار مورد ترخم دارد، اما ۱۶۷ مرتبه نام وی بدون هیچ عبارت دعایی آورده شده است. چنین نسبتی میان وجود و عدم وجود عبارات دعایی، اصل صدور عبارات دعایی را نیز زیر سؤال می‌برد. چنین تردیدی هنگامی بیشتر می‌شود که مثلاً در کتاب الخصال، از ۴۳ موردی که احمد بن الحسن در سند قرار می‌گیرد، تنها پنج بار مورد ترصی واقع شده که همه این پنج بار را می‌توان به دلیل وجود نامش در کنار سایر اساتید دانست؛ در حالی که به هنگام ذکر نام این راوی به تنهایی، اثری از ترصی و ترخم نیست:

- حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ وَأَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدَ بْنِ الْهَيْثَمِ الْعِجْلِيُّ وَمُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَانِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا (صدوق، الف ۱۳۶۲ش: ۲۴۴/۱).
- حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ وَأَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدَ بْنِ الْهَيْثَمِ الْعِجْلِيُّ وَعَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ

مُوسَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَائِيَّ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ هِشَامِ الْمُكْتَبِ وَ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا (همو: ٤٣٠/٢).

- حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ وَ عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَا (همو: ٥٠٦/٢).

- حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَائِيَّ وَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الدَّقَّاقُ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ هِشَامِ الْمُكْتَبِ وَ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا (همو: ٥٧٢/٢).

- حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْهَيْثَمِ الْعَجَلِيُّ وَ أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَائِيَّ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ هِشَامِ الْمُكْتَبِ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّائِغِ وَ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا (همو: ٦٠٣/٢).

- وضعيت ترصی های وی در کمال الدین نیز از همین قبیل است:

- حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ وَ عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّيْبَانِيَّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا (صدوق، ١٣٩٥ق: ١٨٨/١).

- حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ وَ عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّيْبَانِيَّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا (همو: ١٩٠/١).

- حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ وَ عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الدَّقَّاقُ وَ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ وَ عَبْدِ اللَّهِ [بْن] مُحَمَّدٍ الصَّائِغِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّيْبَانِيَّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا (همو: ٣٣٦/٢).

لذا احمد بن حسن قَطَّان را نیز مانند علی بن عبدالله الوراق با وجود تعداد مناسب ترصی و ترخم، می توان به دسته سوم، ملحق دانست.

۳. «کثرت» و «درصد» پنج راوی در جدول به نام های: «أحمد بن محمد بن هيثم»، «علی بن عیسی»، «علی بن الحسین بن شاذویه»، «جعفر بن نعیم بن شاذان» و «محمد بن علی بن بشَّار»، به نحوی است که با وجود اختلاف با مشایخ دسته نخست، می توان به احتمال قوی، لااقل برخی از این عبارات دعایی را از جانب مرحوم صدوق دانست. لذا این پنج راوی قابل الحاق به دسته نخست بوده و توثیق می شوند.

۴. راجع به «حسن بن محمد بن یحیی العلوی» باید به این نکته اشاره شود که هرچند داده‌های آماری وی، شبیه به پنج راوی فوق‌الذکر است، اما دو نکته راجع به وی قابل تأمل است: یکی شش مورد عدم وجود عبارت دعایی برای وی که تمام این موارد را می‌توان معلول ذکر نسب تا أمير المؤمنين عليه السلام دانست (صدوق، ۱۳۹۸ق: ۳۷۳؛ الف ۱۳۶۲ش: ۷۶/۱؛ ۱۳۸۵ش: ۱۳۳/۱ و ۱۶۹؛ ۱۳۹۵ق: ۵۰۵ و ۵۴۳) و دیگری تضعیف و توقفاتی که درخصوص وی در کتب رجالی دیده می‌شود و محل مناقشه واقع شده است (نجاشی، ۱۳۶۴ق: ۶۴؛ ابن غضائری، ۱۴۲۲ق: ۵۴؛ حلی، ۱۴۱۷ق: ۳۳۶؛ مامقانی، ۱۴۳۱ق: ۴۹ - ۵۸). با توجه به عنایت شیخ صدوق به وی از سویی (نقل ۲۹ روایت از وی و استعمال ترحم و ترضی برای وی با توجه به تعداد نه چندان اندک این عبارات) و مناقشات رجالی از سوی دیگر، به نظر می‌رسد توقف، اولی باشد.

۵. هر چند فراوانی کاربرد عبارت دعایی برای برخی از راویان، نسبتاً اندک بوده و احتمال صدور آن از جانب شخص صدوق به میزان مشایخ حاضر در جدول شماره ۱ نیست، اما اگر این عبارات در کتب مختلف (با چشم‌پوشی از مباحث نسخه‌شناسی) وجود داشته باشد، خود می‌تواند در کنار «درصد»‌های مناسبی که گزارش شده است، آماره‌ای بر احتمال اندک نفوذ نساخ در کاربست ترحم و ترضی تلقی گردد. وضعیتی که راجع به «أبو محمد بن جعفر الفقیه» (توحید، عیون و معانی الأخبار)، «عمار بن الحسین الأبروشنی» (خصال، کمال الدین و معانی الأخبار) و «الحسن بن حمزة العلوی» (خصال، عیون، کمال الدین، معانی الأخبار و فضائل الأشهر الثلاثة) وجود دارد؛ در حالی که تمام پنج مورد «محمد بن علی الأسود» در کتاب کمال الدین ذکر شده که می‌تواند افزایش احتمال ورود نساخ گردد. قابل ذکر است اگرچه در نگاه نخست، تنوع کتاب‌هایی که در آن‌ها «عبدالله بن النضر بن سمعان التمیمی» مورد ترحم و ترضی واقع شده است نیز به چشم می‌آید؛ اما از آن‌جا که سه مورد از پنج مورد این عبارات در کتاب اُمالی واقع شده و انتساب عبارات دعایی در این کتاب به مرحوم صدوق (حتی در اولین نسخه‌ها) محل تأمل است، احتمال صدور از جانب شیخ صدوق، باز کمتر خواهد شد.

۶. «درصد» و «فراوانی» نه چندان مناسب کاربست عبارات دعایی برای برخی از مشایخ

(محمد بن بکران النقاش، عبدالله بن محمد الصائغ و احمد بن محمد بن عيسى العلوی) مانع اعتماد به صدور ترخم و ترصی از سوی شیخ صدوق می‌شود. به نظر می‌رسد این دست از مشایخ، قابل الحاق به دسته سوم (عدم اعتماد به صدور) باشند. البته درخصوص این افراد، گمانه‌ای نیز قابل طرح و بررسی است و آن این‌که با توجه به ناشناس بودن این افراد، شیخ صدوق اهتمام ویژه‌ای در کار بست عبارات دعایی درباره این مشایخ داشته تا به نحوی بتواند وثاقت ایشان را نشان دهد.

۳-۳. عدم اعتماد به «صدور» و «معناداری»

در دسته آخر از مشایخ مترصی صدوق، راویانی وجود دارند که اساساً تعداد نقل روایت و در پی آن، تعداد عبارات دعایی به کار رفته برایشان، به قدری اندک است که نمی‌توان اعتمادی به اصل صدور ترصی و ترخم از شخص شیخ صدوق داشت. ناگفته نماند حضور نام راوی در جدول زیر، نشانگر ضعف وی نیست؛ حتی ممکن است برخی از ایشان با توثیقات خاص مانند محمد بن عمر بن البراء (نجاشی، ۱۳۶۵: ۳۹۴)، یا سایر توثیقات عام، مانند کثرت نقل آجلاء درخصوص علی بن حاتم قزوینی و محمد بن عمر بن البراء، موثق نیز قلمداد شوند؛ اما آنچه نوشتار حاضر عهده‌دار آن است، بیان میزان اعتماد به توثیق راویان به وسیله «ترصی» و «ترخم» است.

ردیف	نام راوی	عبارت دعایی						بدون عبارت دعایی
		ترصّی		ترخّم		جمع		
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۱	علی بن حاتم القزوينی	۳	۸ %	۲	۵	۹/۸ %	۴۶	
۲	أبو الحسن علی بن الحسن بن الفرّج المؤدّن	۳	۱۰۰ %	۰	۳	۱۰۰ %	۰	
۳	الحسين بن علی بن احمد الصائغ	۱	۳۳/۳ %	۲	۳	۱۰۰ %	۰	
۴	الأمیر السعيد رکن الدولة	۲	۵۰ %	۱	۳	۷۵ %	۱	
۵	القاضی محمد بن عمر بن البراء البغدادی	۱	۲/۱ %	۲	۳	۶/۳ %	۴۴	

۶	الحسن بن احمد المزدب	۲	% ۱۰۰	۰	۲	% ۱۰۰	۰
۷	محمد بن محمد الخزاعي	۲	% ۱۰۰	۰	۲	% ۱۰۰	۰
۸	جعفر بن الحسين	۲	% ۱۰۰	۰	۲	% ۱۰۰	۰
۹	أبو علي أحمد بن يحيى المكتب	۱	% ۷/۶	۰	۱	% ۷/۶	۱۲
۱۰	محمد بن علي بن محمد بن حاتم التوفلي	۱	% ۱۶/۶	۰	۱	% ۱۶/۶	۵
۱۱	أبو عبد الله الحسين بن أحمد العلوي	۱	% ۲۵	۰	۱	% ۲۵	۳
۱۲	محمد بن أحمد بن إسماعيل السليطي	۱	% ۳۳/۳	۰	۱	% ۳۳/۳	۲
۱۳	علي بن موسى بن احمد بن إبراهيم العلوي	۱	% ۳۳/۳	۰	۱	% ۳۳/۳	۲
۱۴	محمد بن الحسن بن علي بن الصلت القمي	۱	% ۵۰	۰	۱	% ۵۰	۱
۱۵	هاني بن محمد بن محمود العبدی	۱	% ۵۰	۰	۱	% ۵۰	۱
۱۶	احمد بن الحسين بن مهران الابي العروضي	۱	% ۵۰	۰	۱	% ۵۰	۱
۱۷	احمد بن علي بن زياد	۱	% ۱۰۰	۰	۱	% ۱۰۰	۰
۱۸	علي بن الحسين بن الصلت	۱	% ۱۰۰	۰	۱	% ۱۰۰	۰
۱۹	أبو الحسن علي بن ثابت الدواليبي	۱	% ۱۰۰	۰	۱	% ۱۰۰	۰
۲۰	أبو اسد عبدالصمد بن عبدالشهيد الأنصاري	۱	% ۱۰۰	۰	۱	% ۱۰۰	۰
۲۱	أحمد بن محمد بن احمد الحاكم	۱	% ۱۰۰	۰	۱	% ۱۰۰	۰
۲۲	أبو الحسن صالح بن شعيب الطالقاني	۱	% ۱۰۰	۰	۱	% ۱۰۰	۰
۲۳	الحسين بن أحمد بن محمد الرازي	۱	% ۱۰۰	۰	۱	% ۱۰۰	۰
۲۴	احمد بن محمد بن إسحاق المعاذي	۱	% ۱۰۰	۰	۱	% ۱۰۰	۰
۲۵	محمد بن أحمد أبو عبد الله القضاعي	۱	% ۱۰۰	۰	۱	% ۱۰۰	۰
۲۶	اسحاق بن عيسى	۱	% ۱۰۰	۰	۱	% ۱۰۰	۰

جدول شماره ۶

راجع به حضور جناب «علی بن حاتم قزوینی» در این جدول باید گفت هرچند تعداد عبارات دعایی به کاررفته در حقّ وی، به کمی سایر مشایخ در جدول نیست، اما درصد عبارات به کاررفته پس از نام وی به قدری پایین است که نمی توان به صدور این تعداد اندک (پنج مرتبه)، اعتماد کرد.

۴. نتیجه گیری

در بررسی «دلالت ترّضی های شیخ صدوق بر وثاقت»، دو مؤلفه «صدور» و «معناداری» باید اثبات شود. هر کتاب و هر نسخه از شیخ صدوق، دارای فضایی خاصّ در این باره است که نمی توان حکمی بدوی و واحد راجع به تمام آن ها صادر کرد. از این رو با بررسی داده های آماری و لحاظ دو گزاره «کثرت» و «درصد»، مشایخ مترّضی شیخ صدوق، به سه دسته تقسیم شدند:

۱. مشایخی که عبارات دعایی پس از نامشان را می توان به شخص صدوق منتسب دانست. لذا اگر در کبرای مسئله، دلالت «ترّضی» و «ترحم» بر وثاقت مورد پذیرش واقع شود، این افراد توثیق خواهند شد؛ کما این که از میان بیست و سه راوی موجود در این قسمت، با چشم پوشی از پنج راوی دارای توثیق خاص، به واسطه این فرایند، هجده راوی، توثیق خواهند شد.
۲. مشایخی که عبارات دعایی موجود پس از نامشان، به نحوی است که صدور این عبارت از جانب صدوق قابل چشم پوشی نیست؛ اما چالش های موجود در خصوص صدور عبارات موجود پس از نام هریک، مانع اعتماد به صدور آن ها می شود. لذا بجز مواردی که با دقت نظر بیشتر به دو دسته قبل (پنج راوی) و بعد (پنج راوی) قابل الحاق هستند، سایرین (شش راوی) محلّ توقّف تلقی شده اند.
۳. بیست و شش تن از مشایخ که نمی توان به صدور «ترّضی» و «ترحم» در قبالتشان، اعتماد کرد.

اطمینان به صدور

علی بن حسین بن بابویه

ابن الولید

محمد بن موسی بن المتوکل

محمد بن علی ماجیلویه

علی بن أحمد الدقاق

محمد بن إبراهيم الطالقانی

احمد بن زیاد الهمدانی

احمد بن محمد بن یحیی العطار

الحسین بن احمد بن إدريس

جعفر بن محمد بن مسرور

المظفر بن جعفر العلوی السمرقندی

الحسین بن إبراهيم المکتب

محمد بن احمد السنائی المکتب

عبدالواحد بن محمد بن عبدوس

حسین بن إبراهيم بن ناتانه

حمزة بن محمد بن أحمد العلوی

محمد بن محمد بن عصام الکلینی

محمد بن القاسم المفسر الجرجانی

احمد بن علی بن إبراهيم بن هاشم

احمد بن هارون الفامی

تمیم بن عبدالله بن تمیم القرشی

جعفر بن علی بن عبدالله بن المغیره

علی بن احمد بن عبدالله البرقی

احتمال صدور

ملحق به اطمینان:

احمد بن محمد بن الهیثم

علی بن الحسین بن شاذویه

محمد بن علی بن بشّار

علی بن عیسی القمی

أبو محمد جعفر بن شاذان

توقف:

الحسن بن محمد بن یحیی

أبو محمد بن جعفر الفقیه

عمار بن الحسین الأسروشی

عبدالله بن محمد الصائغ

عبدالله بن النضر بن سمعان

محمد بن علی الأسود

الحسن بن حمزة العلوی

ملحق به عدم اعتماد:

علی بن عبدالله الوزّاق

احمد بن الحسن القطن

محمد بن بکران النقاش

عبدالله بن محمد الصائغ

احمد بن محمد بن عیسی

عدم اعتماد به صدور

علی بن حاتم القزوینی

أبو الحسن علی بن الحسن بن الفرّج

الحسین بن علی بن احمد الصائغ

الأمیر السعید رکن الدولة

القاضی محمد بن عمر بن البراء

الحسن بن احمد المؤدب

محمد بن محمد الخزاعی

جعفر بن الحسین

أحمد بن یحیی المکتب

محمد بن علی بن حاتم التوفلی

الحسین بن أحمد العلوی

محمد بن أحمد بن إسماعیل

علی بن موسی بن احمد العلوی

محمد بن الحسن بن الصلت

هانی بن محمد العبدی

احمد بن الحسین بن مهران الابی

احمد بن علی بن زیاد

علی بن الحسین بن الصلت

علی بن ثابت الدوالینی

أبو اسد عبدالصمد بن عبدالشهید

أحمد بن محمد بن احمد الحاكم

صالح بن شعيب الطالقانی

الحسین بن أحمد بن محمد الرازی

احمد بن محمد بن إسحاق

محمد بن أحمد أبو عبدالله القضاعی

اسحاق بن عیسی

قدردانی و تشکر

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از اساتید معزز، جناب آقای محمد باقر ملکیان، حجة الإسلام، المسلمین دکتر سید محمد کاظم طباطبایی و جناب آقای سید علی رضا حسینی شیرازی که در انجام این تحقیق از رهنمودهای خود دریغ نفرمودند، صمیمانه تشکر کنند.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

۱. ابن غضائری، أحمد بن الحسین، (۱۴۲۲ق)، الرجال، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحديث.
۲. ابن فارس، احمد، (۱۳۹۹ق)، معجم مقاییس اللغة، بی‌جا: دارالفکر.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۴. احمد رضا، (۱۳۷۷ق)، معجم متن اللغة، بیروت: دار مکتبة الحياة.
۵. انصاری، مرتضی، (۱۴۱۵ق)، رسالة فی الموارث، قم: المؤتمر العالمی بمناسبة الذکری المئوية الثانية لميلاد الشيخ الأعظم الأنصاری.
۶. جزائری، سید نعمت الله، (بی‌تا)، کشف الاسرار فی شرح الاستبصار، بی‌جا: مؤسسه دار الکتاب.
۷. حبّ الله، حیدر، (۲۰۱۷م)، منطق النقد السندی بحوث فی قواعد الرجال و الجرح و التعديل، بیروت: مؤسسة الانتشار العربی.
۸. حسینی حلی، حسین بن کمال الدین، (۱۳۸۶ش)، زبدة الأقوال فی خلاصة الرجال، قم: مؤسسه علمی - فرهنگی دارالحديث.
۹. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، (۱۳۸۱ش)، ترتیب خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال، مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۰. _____، (۱۴۱۱ق)، رجال العلامة الحلی، نجف: دار الذخائر.
۱۱. خمینی، سید روح الله، (۱۳۸۱ق)، مکاسب المحرمة، قم: مؤسسه اسماعیلیان للطباعة والنشر والتوزيع.
۱۲. خویی، سید أبوالقاسم، (۱۴۰۹ق)، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، قم: دفتر آية الله العظمی خوئی.

۱۳. داوری، مسلم، (۱۴۱۶ق)، أصول علم الرجال بين النظرية و التطبيق، بی جا: مؤلف.
۱۴. دریاب نجفی، محمود، (۱۴۳۰ق)، فوائد بديعة فی علم الجرح و التعديل، قم: بی نا.
۱۵. _____، (بی تا)، مجموعه مقالات، بی جا: بی نا.
۱۶. سایت آية الله سيد احمد مددی الموسوی (www. ostadmadadi. ir).
۱۷. سایت آية الله سيد موسى شبیری زنجانی (www. zanjani. ir).
۱۸. سایت مدرسه فقاها (www. eshia. ir).
۱۹. سبجانی، جعفر، (۱۴۳۵ق)، کلیات فی علم الرجال، قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۲۰. سند، محمد، (۱۴۲۶ق)، بحوث فی مبانی علم الرجال، قم: مدين.
۲۱. سیستانی، سيد محمد رضا، (۱۴۳۷ق)، قیسات فی علم الرجال، بیروت: دارالمورخ العربی.
۲۲. _____، (۱۴۲۸ق)، وسائل الانجاب الصناعیة، بیروت: دار المورخ العربی.
۲۳. شبیری زنجانی، سيد موسى، (۱۴۱۹ق)، کتاب النکاح، قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز.
۲۴. شوشتری، محمد تقی، (۱۴۱۰ق)، قاموس الرجال، قم: جامعه مدرسين حوزه علمیه قم.
۲۵. صدر، سيد حسن، (بی تا)، نهاية الدراية، بی جا: مشعر.
۲۶. صدوق، محمد بن علی، (۱۳۷۶ش)، الأمالی، تهران: کتابچی.
۲۷. _____، (۱۳۹۸ق)، التوحيد، قم: جامعه مدرسين.
۲۸. _____، (۱۴۰۶ق)، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم: دار الشریف الرضی للنشر.
۲۹. _____، (الف ۱۳۶۲ش)، الخصال، قم: جامعه مدرسين.
۳۰. _____، (ب ۱۳۶۲ش)، صفات الشيعة، تهران: اعلمی.
۳۱. _____، (۱۳۸۵ش)، علل الشرايع، قم: کتابفروشی داوری.
۳۲. _____، (۱۳۷۸ق)، عيون أخبار الرضا، تهران: نشر جهان.
۳۳. _____، (۱۳۹۶ق)، فضائل الأشهر الثلاثة، قم: کتابفروشی داوری.
۳۴. _____، (بی تا)، فضائل الشيعة، تهران: اعلمی.
۳۵. _____، (۱۴۱۳ق)، کتاب من لایحضره الفقيه، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۳۶. _____، (۱۳۹۵ ق)، کمال الدین و تمام النعمة، تهران: إسلامیة.
۳۷. _____، (۱۴۰۲ ق)، مصادقة الإخوان، کاظمین: مكتبة الإمام صاحب الزمان العامة.
۳۸. _____، (۱۴۰۳ ق)، معانی الأخبار، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۹. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۳۷۳ ش)، رجال الطوسی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
۴۰. غروی تبریزی، علی، (۱۴۱۰ ق)، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، قم: دارالهادی للمطبوعات.
۴۱. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۶ ق)، القاموس المحيط، بیروت: مؤسسة الرسالة للطباعة والنشر والتوزيع.
۴۲. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۴۳. مامقانی، عبدالله، (۱۴۳۱ ق)، تنقیح المقال فی علم الرجال، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۴۴. _____، (۱۴۱۱ ق)، مقياس الهداية، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۴۵. مامقانی، محمدرضا، (۱۴۱۱ ق)، معجم الرموز و الإشارات، قم: مهر.
۴۶. مجلسی، محمدتقی، (۱۴۰۶ ق)، روضة المتقين فی شرح من لا یحضره الفقیه، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.
۴۷. محسنی، محمدآصف، (۱۴۳۲ ق)، بحوث فی علم الرجال، قم: مرکز المصطفی صلی الله علیه و آله العالمی للترجمة و النشر.
۴۸. _____، (۱۳۹۴ ش)، فوائد بدیعة فی علم الجرح و التعديل، قم: اديان.
۴۹. میرداماد، سید محمد باقر، (۱۴۲۲ ق)، الرواشح السماویة، قم: دارالحديث.
۵۰. نجاشی، احمد بن علی، (۱۳۶۵ ش)، رجال النجاشی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
۵۱. نوری، حسین، (بی تا)، خاتمه المستدرک، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۵۲. وحید بهبهانی، محمدباقر، (۱۵۱۵ ق)، الفوائد الحائریة، قم: مجمع الفكر الإسلامی.